خبر روز

مهار آتش‌سوزی در برج سعادت‌آباد

سخنگوی سازمان آتش‌نشانی تهران از حریق در یک برج مسکونی در سعادت‌آباد خبر داد و گفت: ۲۵ ساکن این برج به سلامت از ساختمان خارج شدند.

سیدجلال ملکی در این باره گفت: ساعت ۱۴:۵۱ دقیقه ظهر جمعه یک مورد حادثه آتش‌سوزی ساختمان مسکونی به آدرس سعادت‌آباد شهرک مخابرات خیابان ساسان به سامانه ۱۲۵ اعلام شد. بلافاصله سه ایستگاه آتش‌نشانی به همراه نردبان هیدرولیکی، تشک نجات و خودروی حامل تجهیزات تنفسی به محل حادثه اعزام شدند. سخنگوی سازمان آتش‌نشانی تهران ادامه داد: آتش‌نشانان در محل مشاهده کردند در یک برج ۱۲طبقه دو واحدی، در قسمت رایزرها که از پایین‌ترین قسمت ساختمان‌ها تا پشت بام‌ها ادامه دارد، آتش‌سوزی رخ داده بود و آثار آن تا پشت‌بام نیز رسیده بود. ملکی گفت: آتش به واحدهای مسکونی سرایت نکرده بود اما دود حاصل از این آتش‌سوزی از طریق دریچه‌ها وارد راهروها و طبقات دیگر شده بود که تعدادی از ساکنان در این شرایط ناایمن گرفتار شده بودند. آتش‌نشانان همزمان به عملیات اطفای حریق و خروج ساکنان ساختمان مشغول شدند و در نهایت ۲۵ نفر از ساکنان به سلامت از ساختمان خارج و به محل ایمن منتقل شدند. این ساکنان شامل ۱۷ مرد، شش زن و دو کودک بودند. این حادثه تلفاتی نداشت اما چند نفر دچار دودزدگی و شوک‌زدگی شده بودند که تحویل اورژانس شدند.

گفت‌وگو با دو مرد فداکار پلدختری که راننده نیسان را از میان آتش نجات دادند

عملیات نجات از نیسان جهنمی

لیلا حسین‌زاده
گروه حوادث

میلاد جوادی و روح‌ا... پورکاییید، یاد و خاطره علی لندی، پسر ۱۵ ساله فداکار اهل ایذه را دوباره با از خودگذشتگی خود زنده کردند. علی ۱۸ شهریور سال ۱۴۰۰ دو زن همسایه را ازآتشی مهیب بیرون‌کشید، اما خود به دلیل شدت سوختگی آسمانی شد. دو جوانمرد پلدختری نیز با این که کمتر از یک قدم با مرگ فاصله داشتند، اما جان‌شان را سخاوتمندانه به خطر انداختند و راننده نیسانی راکه بار گازوئیل داشت و در میان شعله‌های سرکش آتش گرفتار شده بود، نجات دادند.

چند روز از حادثه می‌گذرد.آتش هولناکی که می‌توانست سه خانواده را سیاهپوش‌کند، با ورود به موقع دو جوانمرد پلدختری ختم به خیر شد. روز یکشنبه هفته گذشته حوالی ساعت ۱۶:۳۰ دقیقه، سرنشینان خودروها در محور پلدختر- اندیمشک تردد عادی داشتند، امانمی‌دانستندتا دقایقی دیگر قرار است شاهد یکی از جهنمی‌ترین و سوزان‌ترین صحنه‌های زندگی خود باشند.

میلاد جوادی ۳۷ ساله اهل پلدختر لرستان از روز حادثه برای جام‌جم توضیح می‌دهد: «آن روز به سمت پلدختر در حال رانندگی بودم و یک نیسان نیز با پنج شش بشکه گازوئیل مقابلم در حال حرکت بود. راننده نیسان با این‌که لاینش آزاد بود، اما سبقت‌گرفت و ناگهان با یک تریلی شاخ به شاخ شد و تصادف‌کرد. آقای پورکاییید که راننده پژو ۴۰۵ بود هم به آنها برخوردکرد. سریع زدم بغل و نزدیک نیسان رفتم. آقای پورکاییید هم چند ثانیه زودتر از من خود را به نیسان رسانده بود. راننده نیسان که در کابین گرفتار شده بود با تضرع می‌گفت شما را به خدا نگذارید در آتش بسوزم و نجاتم دهید. دو نفری راننده نیسان را تا ناحیه کمر آزاد کردیم، اما به دلیل ضربه و جمع شدن‌کابین، پاهایش گیرکرده بود. بنده خدا درهمان حال می‌گفت پاهایم را قطع‌کنید، ولی نگذارید بسوزم. آنجا وسیله‌ای هم نبودکه این کار را انجام دهیم. درمدتی‌که تلاش می‌کردیم راننده نیسان رانجات دهیم، اطراف‌مان ۵۰، ۶۰ نفر دیگر هم بودندکه یا درحال تماشا بودند یا فیلم می‌گرفتند. اگر دو نفر از آنها به ما ملحق می‌شدند، زودتر راننده را بیرون می‌کشیدیم. شعله‌های آتش به چند متر می‌رسید و هر چند ثانیه یکی از بشکه‌های موادسوختی منفجر و حجم آتش چندبرابر می‌شد. با انفجارها تمام مواد روی ما می‌ریخت که یکی دو متر عقب می‌رفتیم و دوباره می‌رفتیم جلو. صحنه ترسناکی بود و هرلحظه به ارتفاع شعله‌های آتش اضافه می‌شد. حتی یک درصد هم فکرنمی‌کردم زنده از این ماجرا بیرون بیایم و خودم را مرده می‌دانستم، اما تنها هدف من و آقای پورکاییید نجات راننده بود. در آن لحظات فشار زیادی تحمل‌کردم به حدی‌که تا چند روز سینه‌ام درد می‌کرد، اما خوشبختانه دچار سوختگی نشدم و فقط بخشی از سمت راست صورت وکمی هم بازویم به دلیل تماس نزدیک با حرارت آتش قرمز شد. پس از حدود ۱۰ تا ۱۵ دقیقه خوشبختانه راننده نیسان را نجات دادیم. مادرم پس از تماشای فیلم خیلی‌گریه کرد و گفت چطور در آن شرایط جلو رفتی. در آن صحنه علاوه بر من و آقای پورکاییید، یک کارشناس اورژانس ۱۱۵ پلدختر به نام ناصر جودکی هم آمد به کمک‌مان. او برای درمان فردی که دچار عقرب‌گزیدگی یا مارگزیدگی شده بود، به یکی از روستاهای اطراف رفته بود، اما در زمان برگشت به سمت پلدختر با این صحنه مواجه شد و به کمک ما آمد. در حالت عادی ۲۰ دقیقه طول می‌کشید تا اورژانس بیاید.»

روح‌ا... پورکاییید دیگر ناجی این حادثه است. او ۴۳ ساله، صاحب سه فرزند،کارمند بانک ملی است و در پلدختر زندگی می‌کند. او روز حادثه داشت به سمت اندیمشک می‌رفت که با سبقت راننده نیسان از جاده منحرف و در خاکی متوقف شد. از او می‌خواهیم در مورد روز حادثه توضیح دهد:«وقتی نیسان آتش‌گرفت، توجه نکردم که کفش یا دمپایی دارم یا نه و به سمت راننده دویدم تا او را از آتش نجات دهم. اگرکفش یا دمپایی داشتم، راحت‌تر می‌شدکمک کرد. با کمک آقای جوادی راننده را ازکمر بیرون‌کشیدیم، اما راننده گفت پاهایش گیر کرده است. گفتم به پاهایت فشار بیاور تا اگر شکسته بود، با خودت بیرون بکشی. اگر دو دقیقه بیشتر وسط آتش بمانی پودر می‌شوی. گرما زیاد بود و ارتفاع آتش پشت نیسان به چندمتر می‌رسید. من با در نیسان و آتش درون‌کابین فقط یک وجب فاصله داشتم و حرارت شدیدی به صورت، بازوها و دست‌هایم می‌خورد، اما اصلا متوجه نبودم و تنها فکرم نجات آن راننده بود. تصور این‌که او درآتش بسوزد حالم را بد می‌کرد. یک لحظه خودم را جای او گذاشتم‌که اگر او را رها کنیم، چه مرگ دردناکی در انتظارش خواهد بود. پای شرافت و وجدانم وسط بود. بدون این‌که به جان و زندگی خود اهمیت بدهم، با کمک خدا و تلاش آقای جوادی او را نجات دادیم. بعد از تمام شدن حادثه تازه متوجه درد و سوختگی شدم. سمت چپم خونریزی داشت طوری‌که فکرکردم رگم زده شده است. تصور نمی‌کردم تا این حد سوخته باشم. دکترگفت ۳۰ تا ۴۰ درصد سوخته‌ام و سوختگی‌ام درجه چهار است، اما در حال حاضر خدا را شکر خوب هستم. از کاری‌که انجام داده‌ام، به هیچوجه پشیمان نیستم و وجدانم آسوده است. راننده باورش نمی‌شد نجات پیداکرده باشد و بهت‌زده بود.»

مکث

جوانمردان پلدختری به داد برادرم رسیدند

کاووس احمدی ۴۵ ساله و صاحب سه فرزند، همان راننده نیسان ساکن شهرستان ممسنی استان فارس است‌که معجزه‌آسا از مرگی دردناک نجات پیدا کرد. برادرش علی می‌گوید او به دلیل ۵۰ درصد سوختگی در بیمارستان امام موسی‌کاظم اصفهان بستری و قرار است به بخش آی‌سی‌یو منتقل شود. او در مورد روز حادثه به جام‌جم می‌گوید:«آن روز برادرم می‌خواست از اندیمشک به پلدختر برودکه در جاده یکدفعه یک تریلی به سمت او آمد و او تصمیم‌گرفت از تریلی فرارکند که ناگهان با پژو ۴۰۵ شاخ به شاخ شد و نیسان آتش‌گرفت. پس ازآن با التماس از مردم و راننده‌ها کمک خواست‌که دو جوانمرد پلدختری و یک کارشناس اورژانس به دادش رسیدندکه خدا خیرشان بدهد برادرم را از معرکه آتش نجات دادند، اما راننده تریلی حتی توقف نکرد. برادرم را برای درمان ابتدا به مرکز درمانی خرم‌آباد اعزام‌کردند و سپس از آنجا به بیمارستان امام موسی‌کاظم اصفهان منتقل شد. به‌گفته پزشکان او دچار سوختگی درجه سه شده و تا دو ماه آینده بستری خواهد بود. سوختگی دست راست و ماهیچه‌های پایش عمیق است. برادرم هنوز وحشت‌زده است و حتی وقتی فیلم حادثه رانشانش دادند، نتوانست نگاه‌کند و از نظر روحی بهم ریخت.»

نظمیه

توطئه مرگبار برای خواننده لس‌آنجلسی

خواننده لس‌آنجلسی که همسر دومش را در ایران طلاق داده بود، قربانی توطئه مرگبار پدرزنش شد. عاملان جنایت بعد از کشتن این خواننده، جسد او را به آتش کشیدند.

به‌گزارش خبرنگار جام‌جم، اوایل دی‌ماه سال گذشته، مردی با حضور دردادسرای جنایی تهران شکایت کرد یکی از اقوامش که مردی ۶۵ ساله بوده از آمریکا به تهران آمده و ناپدید شده است. با شروع تحقیقات مشخص شد، مهرداد معروف به مهرداد نیویورک، یک تاجر و خواننده لس‌آنجلسی مقیم آمریکا بوده که فروشگاه پوشاکی درحوالی نوشهر استان مازندران راه‌اندازی کرده و در کار ویلاسازی هم است. او آخرین‌بار به‌صورت قانونی به ایران آمده و بعد از مدتی ناپدید شده بود. درحالی که تحقیقات در تهران بی‌نتیجه مانده بود، خانواده این خواننده اوایل اردیبهشت امسال به پلیس آگاهی شهرستان نوشهر استان مازندران رفته و شکایت دیگری مطرح کردند.

مأموران به دستور سرگرد عزیزا... فیاضی، رئیس پلیس آگاهی نوشهر، تحقیقات را از سرگرفته و مشخص شد مرد خواننده دوسال قبل با زنی که در فروشگاهش در نوشهر کار می‌کرده ازدواج کرده اما یک‌ماه قبل از ناپدیدشدنش ازهم جدا شدند اما این زن همچنان در آن فروشگاه کار می‌کند. او به پلیس آگاهی احضار شد و در تحقیقات گفت: دو سال قبل با مهرداد آشنا شدم و در فروشگاهش کار می‌کردم. به هم علاقه‌مند شده و ازدواج کردیم، حتی می‌خواست مرا برای زندگی به آمریکا ببرد که به‌خاطر اختلافاتی که داشتیم، از هم جدا شدیم. این درحالی بود که خانواده مرد گمشده دوباره به پلیس آگاهی آمدند و این‌بار اعلام کردند یک زن و مرد و چهارنفر شکایتی از مرد خواننده در یکی از مراجع قضایی در شمال کشور مطرح کرده و مدعی شده‌اند او ملکی را از طریق صلح‌نامه در دبی به آنها فروخته و ۱۲ میلیون تومان پول و ۱۰ میلیون دلار گرفته اما برای سندزدن اقدامی نمی‌کند. این درحالی است که بررسی‌ها نشان داد، خودروی جک مرد گمشده در آزادراه تهران- شمال بارها تردد داشته و راننده با کارت بانکی یک زن عوارضی پرداخت کرده است. این زن احضار و در تحقیقات گفت که کارتش در اختیار پسرش شاهرخ است. معلوم شد این مرد کارهای تبلیغاتی مرد خواننده را در شمال و تهران انجام می‌داده و مدتی با هم اختلاف داشتند و در آن صلح‌نامه قلابی نامش ثبت شده بود. چند هفته قبل شاهرخ ۳۸ ساله در شرکت تبلیغاتی‌اش در زعفرانیه تهران بازداشت شد و در تحقیقات مشخص شد او با دستور پدرزن سابق مهرداد- خواننده- و با همدستی پدر و پسری به نام‌های سعید و فرید و مرد دیگری که فرشاد نام دارد، این مرد را ربوده و کشته‌اند. سردار حسن مفخمی شهرستانی، فرمانده انتظامی استان مازندران با تأیید این خبر به جام‌جم گفت: پدرزن سابق این خواننده بابت جدایی فرزندش از مرد خواننده کینه به‌دل گرفته بوده و از شاهرخ خواسته بود او را گوشمالی دهد و املاک و اموالش را تصاحب کند. مرد جوان قبول می‌کند و سه نفر دیگر را برای این کار استخدام می‌کند. متهمان اوایل دی‌ماه سال گذشته با جعل عنوان مأموران اداره اطلاعات وارد خانه مهرداد شدند. به او آمپول زده و بعد از بیهوش‌کردنش به دفتر شاهرخ در صادقیه تهران برده و چهارروز او را به اسارت می‌گیرند. نزدیک به ۵۰ برگه صلح‌نامه به‌زور از او می‌گیرند. روز پنجم سه نفر از متهمان دست و پای گروگان را می‌گیرند و فرشاد بالشتی روی دهان او می‌گذارد و خفه‌اش می‌کنند. اول با اره‌برقی قصد مثله‌کردن جسد را داشتند که اره کار نمی‌کند. بعد جسد را به حمام شرکت منتقل و در آنجا رگ گردن و دستان و پاهای او را می‌زنند. پیکر گروگان را در نایلون‌های زباله مشکی می‌گذارند و با انداختن در صندوق‌عقب خودروی پژو ۲۰۷ شاهرخ به ویلای دوستش در رودهن برده و به آتش می‌کشند. بعد هم بقایای جسد را در کیسه‌هایی قرار داده و در بیابان رها می‌کنند. چون قتل در تهران رخ داده، پرونده با نبود صلاحیت رسیدگی به دادسرای جنایی تهران ارسال شد.

در شاخه دیگری از تحقیقات معلوم شد سه زن به دادسرای سرپرستی در تهران هم رفته‌اند و شکایت کرده‌اند که مهرداد همراه زنی، رحم آنها را اجاره کرده و هزینه زندگی آنها را نپرداخته و دیگر از او خبری ندارند. با این شکایت، مأموران موضوع را بررسی کرده و متوجه شدند این خواننده پس از ازدواج با زنی در نوشهر، رحم این سه‌زن را اجاره کرده تا فرزندانی در ایران داشته باشد و حدود دو میلیارد تومان برای رسیدن به این هدفش هزینه کرده بود.

محکمه

محاکمه ۲ برادر به دلیل انتقام آتشین

دو برادر که متهم هستند در انتقامی کور، همکار خود را کشته و جسدش را به آتش کشیدند، پس از شش سال از سوی اولیای دم بخشیده و به ۱۶ سال زندان محکوم شدند.

سکانس اول؛ ناپدید شدن کیان

در آخرین روزهای سال ۹۷ کیان که در یک آژانس خودروکار می‌کرد از خانه بیرون رفت و بعد ناپدید شد. او قرار بود به محل کارش برود اما همکارانش از او خبری نداشتند. خانواده‌اش وقتی از برگشت او به خانه ناامید شدند، هراسان و مضطرب راهی پلیس آگاهی شدند و در این باره شکایتی را مطرح کردند. با شروع تحقیقات پلیسی مشخص شد، تلفن همراه مرد ۳۸ ساله خاموش است.

سکانس دوم؛ کشف جسد کیان

در ادامه با کشف جسد سوخته مردی در محل نگهداری ضایعات در حاشیه تهران، ماموران با حضور در آنجا دریافتند این مرد در محل دیگری به قتل رسیده و قاتل یا قاتلان جسد را پس از آتش زدن به آنجا انتقال داده و رها کرده‌اند. کارآگاهان که احتمال می‌دادند جسد کشف شده متعلق به کیان باشد، از خانواده او خواستند با حضور در پزشکی قانونی جسد را بررسی کنند که آنها پیکر پسرشان را شناسایی کردند. با افشای این موضوع روند رسیدگی به این پرونده وارد مرحله تازه‌ای شد.

سکانس سوم؛ شناسایی قاتلان کیان

ماموران با بررسی دوربین‌های محل کشف جسد پی بردند آن روز خودروی پژویی هم در آن مسیر تردد داشته است. بررسی پلاک پژو ماموران را به دو برادر رساند که با کیان در یک آژانس کار می‌کردند. این سرنخ احتمال ارتکاب جنایت به دست دو برادر را مطرح کرد. آنها با دستور قضایی بازداشت شدند و با این که در تحقیقات مقدماتی منکر قتل شدند اما در ادامه بازجویی‌ها یکی از آنها به قتل همکارشان با دستور صاحب آژانس اعتراف کرد.

سکانس چهارم؛ اعتراف به قتل کیان

بردیا در تحقیقات درباره جنایت گفت: صاحب آژانس به نام حمید مدتی بود که با کیان اختلاف پیدا کرده بود. او نفری ۱۰ میلیون تومان پول داد و خواست کیان را بکشیم. بعد کلید باغش را به ما داد و خواست نقشه قتل را آنجا اجرا کنیم. طبق نقشه کیان را به باغ دعوت کردیم و در مشروب او قرص خواب‌آور ریختیم. او بعد از خوردن مشروب، بی حال شد و مرد. جسدش را در باغ آتش زدیم تا اثری از ما نماند. بعد هم جنازه سوخته را در محل رها کردن ضایعات انداختیم. پس از این اعترافات حمید هم بازداشت شد و در تحقیقات با انکار اتهامش گفت: از نقشه دو برادر برای کشتن کیان بی خبر بودم. اختلافی با کیان نداشتم و دو برادر به دروغ پای مرا به این پرونده باز کرده‌اند.

سکانس پنجم؛ بخشش قاتل کیان

با گذشت شش سال از این جنایت، متهمان توانستند از اولیای دم رضایت بگیرند و پرونده برای رسیدگی از جنبه عمومی جرم به شعبه یازدهم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد. بردیا در این جلسه ادعای جدیدی را مطرح کرد و گفت: کیان قبل از این‌که مرتکب قتل او شوم به من مشروب خوراند و بعد آزارم داد. حتی از من فیلم سیاه گرفت. از این موضوع ناراحت بودم تا این‌که به فکر انتقام افتادم. تهدیدم می‌کرد و خانواده‌اش از ماجرا خبر داشتند. برادرم وقتی فیلم سیاه را در گوشی کیان دید، تصمیم گرفت به من کمک کند تا از او انتقام بگیرم. روز حادثه او را به باغ دعوت کردیم و در مشروبش قرص خواب ریختیم. می‌خواستیم او را بیهوش کنیم و فیلم سیاه بگیریم اما او فوت شد. ترسیدیم و جنازه را آتش زدیم. برادرم در انتقال جسد با من همراه بود و صاحب آژانس نقشی در ماجرا نداشت. برادر بردیا هم در ادامه اظهارات برادرش را تایید کرد. وقتی نوبت به دفاع صاحب آژانس رسید، او بار اتهامش گفت: اختلافی با مقتول نداشتم و نمی‌دانم چرا دو برادر پای مرا وسط کشیدند. در پایان جلسه قضات دادگاه وارد شور شدند و هر کدام از دو برادر را از جنبه عمومی جرم به ۸ سال زندان و صاحب آژانس را به شش سال حبس محکوم کردند.

مرگ مرموز ۳ برادر ایرانی در ترکیه

اجساد سه برادر ایرانی در آپارتمانی که در شهر آنتالیا فوت شده بودند، کشف شد. به گزارش یورو نیوز، ساعت ۱۵ بعداز ظهر روز پنجشنبه به وقت محلی ترکیه ساکنان ساختمانی در منطقه گوزل اوبا در آنتالیای ترکیه متوجه بوی نامطبوعی شدند که از خانه طبقه هشتم که سه برادر ایرانی ساکن بودند به مشام می‌رسید. آنها موضوع به پلیس اطلاع دادند. ماموران آنجا رفتندو با گشودن در وارد آنجا شدند. سه برادر به نام‌های محمدرضا ۳۴ ساله، محسن ۲۶ ساله و امیرحسین ۲۳ ساله بودند. از مرگشان ۱۰ روز گذشته بود. پلیس در آنجا دست نوشته‌ای هم یافت که در آن نوشته شده بود ما به دلیل مشکلات مالی در بورس که برایمان رخ داده بود به این زندگی پایان می‌دهیم. امرا... اسدی، از نزدیکان این سه برادر در این باره گفت: سه برادر با قرار دادن حوله زیر در و بستن پنجره‌ها با نوارچسب و روشن کردن زغال در مرکز اتاق، خود را به کام مرگ کشانده بودند. این سه برادر مدتی بود که برای کار از ایران به ترکیه آمده بودند. خانواده آنها آخرین بار در تاریخ ۲۸ اکتبر با آنها ارتباط داشتند، اما پس از آن تماس‌ها قطع شد و هیچ خبری از آنها به دست نیامد. پس از ۱۳ روز بی‌خبری اجساد آنها کشف شد.

کوتاه از حوادث

قاتل شهید قصاص شد

حکم قصاص قاتل ستوان دوم محمدعلی باقری در کرمان اجرا شد. سردار سلیمان ملک‌زاده، معاون حقوقی، امور مجلس و دولت فراجا در این باره به سایت پلیس گفت: بیست و هفتم مرداد سال ۱۳۸۱ ستوان دوم محمدعلی باقری در درگیری با قاچاقچیان به شهادت رسید. با پیگیری مستمر و مؤثر و دفاعیات کارشناسان حقوقی فرماندهی انتظامی استان کرمان، شعبه اول دادگاه کیفری این استان رأی مبنی بر قصاص قاتل صادر، با اعتراض وکیل قاتل به رأی صادره پرونده به دیوان عالی کشور ارسال شد. با دستور رئیس محترم دیوان عالی کشور، شعبه ۲۹ دیوان پرونده را خارج از نوبت مورد رسیدگی قرار داد که با پیگیری‌های مستمر و موثر کارشناسان حقوقی، شعبه مذکور رأی دادگاه بدوی مبنی بر قصاص قاتل را عینا تایید و ابرام می‌کند. با پیگیری کارشناسان حقوقی، رأی قصاص قاتل شهید والامقام ستوان دوم محمدعلی باقری، پس از جری تشریفات قانونی استیذان و تایید در معاونت قضائی قوه قضائیه، سحرگاه روز چهارشنبه در محوطه زندان شهرستان کرمان اجرا شد.

قتل مادر در عالم مستی

مردی که بعد از دعوای خانوادگی با مادرش او را با ۸ ضربه چاقو کشته بود، ۳۰ دقیقه بعد از جنایت بازداشت شد. به گزارش جام‌جم، ساعت ۳۰ دقیقه بامداد جمعه بیست وپنجم آبان امسال، یکی از ماموران کلانتری تهران‌نو به بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران اطلاع داد، زنی ۵۰ ساله به قتل رسیده است. با دستور قضایی تیمی از ماموران دهم پلیس آگاهی تهران به خانه سه طبقه‌ای در محله پیروزی تهران اعزام شدند و جسد زن میانسال را که با ۸ ضربه چاقو به قتل رسیده بود در پشت‌بام ساختمان یافتند و قاتل که پسر ۲۷ ساله او بود در محل قتل بازداشت شد. ماموران در جریان تحقیقات متوجه شدند، مقتول ۱۵ سال قبل از شوهرش جدا شده و با دو پسرش در ساختمان محل جنایت زندگی می‌کرده است. چند سال قبل با مردی ازدواج کرده که دو دختر داشته و آنها با پسران وی ازدواج و در طبقات اول و دوم ساختمان زندگی می‌کردند تا این‌که سال گذشته هم شوهر دومش فوت می‌کند و مقتول که به شیشه اعتیاد داشته در همان آلونک می‌ماند در حالی که مدام با پسرانش دعوا داشت. قاتل ۲۷ ساله هم در جریان تحقیقات پلیسی گفت: مادرم اعتیاد داشت و ما مدام جر و بحث داشتیم. او اعتیادش را ترک نمی‌کرد و از ما هم خواسته بود خانه را تخلیه کنیم تا آنجا را اجاره بدهد. روز حادثه مشروب خورده بودم که زبا او درگیر شدم. با چاقوی آشپزخانه هشت ضربه به مادرم زدم که باعث مرگش شد. محسن اختیاری، بازپرس شعبه اول دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام‌جم گفت: با اعتراف متهم جوان به قتل مادر میانسالش تحقیقات از او ادامه دارد.

جزئیات خودکشی سنجری

سرپرست دادسرای امور جنایی تهران با بیان این‌که در مورد فوت کیانوش سنجری در دادسرای امور جنایی تهران پرونده تشکیل شده است، گفت: خانم روان‌درمان‌گر در اظهارات خود که ثبت و ضبط شده، گفته است متوفی به وی اعلام کرده از خودکشی منصرف شده و موضوع حل شده است. به گزارش تسنیم، محمد شهریاری در این باره گفت: عصر چهارشنبه بیست و سوم آبان امسال، کلانتری ۱۰۹ بهارستان اعلام کرد جسد فردی حوالی پل حافظ کشف شده است. عوامل پزشکی قانونی، کارشناسان تشخیص هویت و اداره آگاهی و بازپرس ویژه قتل به آنجا اعزام شدند. در جریان تحقیقات اولیه معلوم شد که مرد جوانی، خودش را از بالای ساختمان چارسو به پایین پرتاب کرده است. تحقیقات میدانی نشان داد همراه متوفی که هویت وی کیانوش سنجری اعلام شد، خانمی تحت عنوان روان‌درمانگر بوده و این خانم در محل حضور داشته است. با تحقیق از این زن او در اظهاراتش گفت: از سال ۹۴ به‌دلیل بیماری‌های روحی و روانی با متوفی در ارتباط بودم. این مرد در فضای مجازی تهدید به خودکشی کرده بود قبل از وقوع این اتفاق، او را دیدم و همراه وی در ساختمان چارسو کنار وی حضور داشتم. اما او به من گفت مشکل حل شده و خودکشی نمی‌کند. شهریاری ادامه داد: بعد از آن این زن از محل خارج شده و راهی خانه‌اش بوده که متوجه می‌شود دستگاه پاوربانک متوفی نزد وی جا مانده. بعد با آن مرد تماس می‌گیرد که پاوربانک را به او تحویل دهد که وقتی متوجه می‌شود پاسخگو نیست، به ساختمان چارسو باز می‌گردد و چون احتمال می‌دهد او دست به خودکشی بزند، موضوع را به انتظامات ساختمان اطلاع می‌دهد و زمانی که به پشت بام ساختمان می‌رسند، آن مرد خودش را به پایین پرتاب کرده بود. طبق تحقیقاتی که از این خانم روان‌درمان‌گر انجام شد، وی از سال ۹۴ برای درمان با متوفی آشنا بود و مرحوم ۳ مرتبه در بیمارستان محمدشهر کرج بستری شده و داروهای مرتبط با اعصاب و روان مصرف می‌کرده است. همچنین خانم دیگری در صحنه حادثه حاضر شد و اعلام کرد که متوفی کیانوش سنجری دوست پدرش بود و متوفی سال‌ها درگیر بیماری روحی و روانی بوده که اظهارات این خانم نیز در پرونده اخذ شده است. اکیپ‌های تخصصی در صحنه حاضر بودند، تمام تحقیقات انجام شده و فیلم دوربین‌های مداربسته ساختمان ثبت و مورد بازبینی قراردادند. پرونده‌ای هم در ارتباط با مرگ مشکوک او در دادسرای جنایی تهران تشکیل شده است.